اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت پنجاه و یک)

لا اله الا الله

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۸﴾

خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می دهند که] جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست (۱۸)

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ﴿۱۹﴾

پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن] و خداست که فرجام و مآل [هر يك از] شما را می داند (۱۹)

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿۳۵﴾

چرا که آنان بودند که وقتی به ایشان گفته می شد خدایی جز خدای یگانه نیست تکبر می ورزیدند (۳۵)

ما به عنوان یک انسان باید توجه کنیم که هیچ راه حل کوتاهی برای بدست آوردن خوشبختی و یا پرورش نفس وجود ندارد. پیامبر نوح مدت زیادی قومش را به سوی خدای یگانه خواند و سالها بعد، نوح از قومش نا امید شد و از خدا خواست که آنان را نابود کند؛ و خدای حکیم دعای او را پذیرفت. این نکته را باید توجه کنیم که نوح از خدا ناامید نشد، بلکه از ایمان آوردن قومش ناامید شد و بین این دو خیلی فرق است.

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿۲۶﴾
و نوح گفت پروردگارا هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار (۲۶)

إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿۲۷﴾
چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری بندگانت را گمراه می کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزایند (۲۷)

اما نجات مومنان و نابودی کافرین؛ طی یک پروسه و فرآیند انجام شد. اینطوری نبود که خدای حکیم یک روزه این کار را انجام دهد. خدای مهربان به نوح فرمود که برای نجات مومنان باید یک کشتی درست کند بر اساس وحی و با فرامین مخصوص.

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ
وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ﴿۲۷﴾

پس به او وحی کردیم که زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز و چون فرمان ما دررسید و تنور به فوران آمد پس در آن از هر نوع [حیوانی] دو تا [یکی نر و دیگری ماده] با خانواده ات بجز کسی از آنان که حکم [عذاب] بر او پیشی گرفته است وارد کن در باره کسانی که ظلم کرده اند با من سخن مگوی زیرا آنها غرق خواهند شد (۲۷)

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۲۸﴾

و چون تو با آنان که همراه تواند بر کشتی نشستی بگو ستایش خدایی را که ما را از [چنگ] گروه ظالمان رهانید (۲۸)

ساخت کشتی زمان زیادی برد و ساخت آن یک روز دو روز طول نکشید بلکه سالها به درازا انجامید. طوفان هم که آمد، طبق تورات چهل شبانه روز طول کشید و در این مدت، ساکنان کشتی، با خطرات زیادی روبرو شدند و این خطرات بود که به آنان درس زندگی را آموخت و نسل آینده بشر، از نسل این مومنان بوجود آمدند. تمام این زحمات و تلاشها بخاطر برپایی فرمان مهم لا اله الا الله بود.

تمام تلاش مومنان تا قیامت هم باید در پیاده سازی فرمان مهم لا اله الا الله باشد. هر کسی باید در این راه تمام تلاش خود را بکند و این شعار مهم را در زندگی خویش پیاده سازی کند. متاسفانه این مهم ترین ستون تحریف شده دین است. میلیون ها مسلمان نسخه شرک آلود شیطان را پذیرفته اند و بر ذکر نام پیامبر محمد در کنار نام خدا اصرار دارند و آنها اشهد محمدا رسول الله را در کنار اشهد لا اله الا الله قرار داده اند.

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ﴿۱۹﴾

بگو گواهی چه کسی از همه برتر است بگو خدا میان من و شما گواه است و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد هشدار دهم آیا واقعا شما گواهی می دهید که در جنب خدا خدایان دیگری است بگو من گواهی نمی دهم بگو او تنها معبودی یگانه است و بی تردید من از آنچه شريك [او] قرار می دهید بیزارم (۱۹)

این قسمت از آیه (قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ) **دلالت بر آن دارد که شهادت یک جمله است و آن دلالت بر وحدانیت خدا دارد و بس. آیه میفرماید که "من شهادت نمیدهم و تنها شهادت من لا اله الا الله دلالت بر وحدانیت خدا است."**

ملاک بزرگ قرآن در آیه زیر، معیار اصلی ایمان به آخرت است.

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿۴۵﴾

و چون خدا به تنهایی یاد شود دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند منزجر می گردد و چون کسانی غیر از او یاد شوند بناگاه آنان شادمانی می کنند (۴۵)

هنگامی که خدای یگانه یاد می‌شود ، دل‌های کسانی که به آخرت کافر شده‌اند از شدت کراهت و نا آشنایی و عدم انس با خدا کوچک می‌شود، اما هنگامی که دیگران با او ذکر می‌شوند ، راضی می‌شوند. با یکی بحث میکردم، هر وقت اسم خدا را ذکر

میکرد؛ میگفت خدا و اما هروقت اسم پیامبر محمد را ذکر میکرد؛ میگفت پیغمبر جان. چرا او میگفت پیغمبر جان ولی نمی گفت خدا جان؟ زیرا او آنچه را که سالها در وجود خویش پرورش داده بود را بیان میکرد و او سالها پیامبر را به جای خدا ذکر میکرد و مثل خدا او را دوست داشت و این مورد ناخواسته در طرز صحبتش نمایان میشد. واقعا آدم مات و مبهوت میماند که افراد چرا چنین نکته مهمی را متوجه نمیشوند . هر آنچه قلب شما را اشغال میکند؛ خدای شماست. شهادت ایمان فقط یک جمله است و نه دو جمله و آن هم لا اله الا الله است. هر کسی جمله ای به شهادت ایمان اضافه کند؛ از حالت ایمان به خدا خارج شده و خدا را انکار میکند. در آیه زیر؛ خدای حکیم دوبار شهادت را ذکر فرموده است و این نکته بسیار مهمی را در بر دارد و آن این است که حتی اگر شهادت دوتا شود؛ هر دوتایش یکی است.

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾

خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می دهند که] جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست (۱۸)

تحقیقات گستردهای در مورد این معیار انجام شده است و به یک نتیجه شگفتانگیز خواهید رسید: کسانی که از رکن اصلی دین (لا اله الا الله) که در آیه بالایی مقرر شده

است، حمایت نمی‌کنند، خدا آنان را از گفتن شهادت صحیح منع کرده است .آنها به سادگی نمی توانند بدون ذکر نام پیامبر محمد بگویند اشهد ان لا اله الا الله. زیرا این دین ابراهیم است و جزو اصول اساسی دین اسلام است. پیامبر محمد هیچوقت نگفت که اشهد ان ابراهیم رسول الله. این به آن معناست که شهادت ایمان فقط یک جمله است و همیشه یک جمله بوده است و اسم کسی دیگر را نباید وارد آن کرد.

بت پرستی به پرستش مجسمه ها و نمادهای دست ساز انسان محدود نمی شود، همانطور که عموماً در سراسر جهان باور دارند. ساده ترین شکل بت پرستی با این باور شروع می شود که هرکس یا چیزی غیر از خدا بطور غیبی می تواند در دنیا یا آخرت به شما کمک کند. متاسفانه همه شاخه های ادیان با این تصور که اولیاء و رسولان فوت شده می توانند در این زندگی به مردم کمک کنند، برای آنها بمیرند یا در آخرت برای آنها شفاعت کنند، از راه راست منحرف شده اند. این عقیده ماهیت واقعی خودخواهانه و ترسوی انسانها را نشان می دهد که سعی می کنند شخص دیگری را پیدا کنند تا بار گناهان آنها را برای آنها حمل کند. این وظیفه همه انسانها است که از زندگی خود برای رشد نفس و روان خود استفاده کنند که مستقیماً بدون هیچگونه واسطه ای برای اعمال خود نزد خدا حسابرسی می شوند. خدای مهربان زندگی این دنیا را به عنوان یک وسیله و نعمت به ما بخشیده است و به ما فرصت داده است تا خودمان نفسمان را رشد دهیم و برای بخشش نزد خدا، دل به کسی غیر از خدا خوش نکنیم.

همگی میدانیم که شفاعت کردن در قرآن هست. آن چیزی که در قرآن از آن نهی شده است، شفیع گرفتن است و نه شفاعت کردن. بین این دو خیلی فرق است. هر کسی میتواند برای دیگران شفاعت کند. ولی ما حق نداریم غیر از خدا، کسی را به عنوان شفیع بگیریم. یعنی شفاعت یک امر یک طرفه و خود جوش است و این همان نکته ای است که کسی توجه نمیکند. وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾و به جای خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند و نه به آنان سود می دهد و می گویند اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند بگو آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی داند آگاه می گردانید او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می سازند (١٨)

در آیه بالایی ، مشکل ، شفاعت کردن نیست و بلکه شفیع گرفتن است. ما میتوانیم برای هر کسی که دوست داشتیم شفاعت کنیم و از خدا تقاضای بخشش برای او کنیم. هر چند که ابراهیم و نوح زمانی که محرز شد که خانواده شان مشرکند، از شفاعت برای خانواده مشرک خویش پشیمان شدند؛ ولی در حالت کلی شفاعت کردن برای دیگران مشکلی ندارد. آن چیزی که در آیات قرآنی منع شده است ، شفیع گرفتن است و نه شفاعت کردن. یعنی ما از دیگران درخواست کنیم تا که آنان نزد خدا برای ما طلب بخشش کنند و این حالت از شفاعت به شدت منع شده است و شرک بحساب میاید.

یکی از فرقهای مهم وحدت وجود با توحید این است که افراد در وحدت وجود اگر خرما را ببینند، خدا را در خرما می بینند و همچنین خرما را در خدا میبینند! اما در توحید اگر خرما را دیدی، آفرینش نعمتی به نام خرما را به خدا نسبت می دهیم و در اینجا دقیقاً وحدت وجود متضاد توحید است. هیچ چیزی نباید ما را از یاد، قدردانی و پرستش خدا منحرف کند. عبادت هر چیزی یا هر کسی مرده یا زنده؛ شامل اشیاء طبیعی و یا ساخته دست بشر، یک نوع الهه گرفتن است. توکل کردن بر طلسمها و یا مصرف غذاها و نوشیدنی هایی که قرار است نیروی رمز آمیز به شما بدهد، یک نوع بت پرستی است. کسی را سالها می شناختم ولی هیچوقت باورم نمیشد که او مشروب الکلی مصرف میکند. او مصرف الکل را دور از چشم دیگران و مخفیانه انجام میداد و به خیال خود فکر میکرد، معجون سحر آمیزی! دارد که دیگران ندارند. بیشتر مردم فکر میکنند چیزی دارند که دیگران ندارند و به آن چیز توکل و تکیه میکنند. چنین طرز تفکری از اساس اشتباه است و پایه یک ساختمان بدون تقواست. هیچ کس بجز خدا از آینده خبر ندارد و خود پیامبر محمد در قرآن بارها اعلام میدارد که از غیب خبر ندارد و صاحب هیچ خیر و شری برای خود و دیگران نبوده و نیست.

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾

بگو جز آنچه خدا بخواهد برای خودم اختیار سود و زیانی ندارم و اگر غیب می دانستم قطعا خیر بیشتری می اندوختم و هرگز به من آسیبی نمی رسید من جز بیم دهنده و بشارتگر برای گروهی که ایمان می آورند نیستم (۱۸۸)

خوشبختی و بهشت برین براحتی بدست نمی آید. بنابراین وعده کسانی که می گویند با شفاعت پیامبران و اولیاء ، مردم گناهکار به بهشت میروند؛ سراسر کذب است و خلاف آیات قرآنی است. اگر خوشبختی و رستگاری می تواند به این آسانی به دست آید، چرا خدا کتاب مقدس خود را در مورد چگونگی هدایت زندگی برای ما ارسال می کند و از ما انتظار دارد طی هفتاد هشتاد سال طبق این دستورات عمل کنیم؟ خدا غریزه پرستش را در ما نهاده است تا ما خودمان دست به کار شویم و به دستوراتش عمل کنیم تا نزد خدا بخشیده شویم. تنها راه بخشیده شدن همین است و هیچ راه حل ساده دیگری وجود ندارد.

تمام پیامبران تلاششان این بود که به مردم ثابت کنند که هیچ کس دیگری غیر از خدا وجود ندارد تا آنها را از زمین و این دنیای پست نجات دهد و به بهشت ببرد. این نکته خیلی مهم است. در آیات متعددی از قرآن برای تمام پیامبران عبارت اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ **تکرار شده است. یعنی فقط خدا را عبادت کنید و هیچ الهی غیر از او برای شما نیست. اله یعنی کسی که در این دنیا باید به او توجه کنیم تا ما را به مقصود برساند و این اله نمیتواند کسی غیر از خدا باشد. تعریف شرک یعنی الهه ای غیر از خدا برای خود برگزیدن. اما خدا میخواهد که عملا ما را از این دنیای فانی نجات دهد**

و کسی غیر از خودش قادر به این کار نیست. اگر کسی غیر از خدا را برای این کار انتخاب کند، یعنی فرمان مهم لا اله الا الله را نقض کرده است. اله باید دارای خصوصیات زیر باشد و گرنه نمیتواند ما را از این دنیای پست و فانی نجات دهد.

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٥٩﴾

و کلیدهای غیب تنها نزد اوست جز او [کسی] آن را نمی داند و آنچه در خشکی و دریاست می داند و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر [اینکه] آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است (۵۹)

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَى أَجَلٌ مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾

و اوست کسی که شبانگاه روح شما را [به هنگام خواب] می گیرد و آنچه را در روز به دست آورده اید می داند سپس شما را در آن بیدار می کند تا هنگامی معین به سر آید آنگاه بازگشت شما به سوی اوست سپس شما را به آنچه انجام می داده اید آگاه خواهد کرد (۶۰)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ﴿٦١﴾

و اوست که بر بندگانش قاهر [و غالب] است و نگهبانانی بر شما می فرستد تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد فرشتگان ما جانش بستانند در حالی که کوتاهی نمی کنند (۶۱)

ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿٦٢﴾

آنگاه به سوی خدا مولای بحقشان برگردانیده شوند آگاه باشید که داوری از آن اوست و او سریعترین حسابرسان است (۶۲)

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿۶۳﴾

بگو چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا می رهاند در حالی که او را به زاری و در نهان می خوانید که اگر ما را از این [مهلکه] برهاند البته از سپاسگزاران خواهیم بود (۶۳)

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿۶۴﴾

بگو خداست که شما را از آن [تاریکیها] و از هر اندوهی می رهاند باز شما شرك می ورزید (۶۴)

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿۶۵﴾

بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند بنگر چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می کنیم باشد که آنان بفهمند (۶۵)

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿۶۶﴾

و قوم تو آن [=قرآن] را دروغ شمردند در حالی که آن بر حق است بگو من بر شما نگهبان نیستم (۶۶)

چه کسی غیر از خدا ، کلیدهای غیب تنها نزد اوست؟ جز او کسی آن را نمی داند و آنچه در خشکی و دریاست می داند و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر اینکه آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن است. چه کسی غیر از خدا اینها را میداند؟ اگر کسی به عنوان اله انتخاب شود و خصوصیات بالا را نداشته باشد، نمیتواند بشریت را نجات دهد. و او کسی نیست جز خدای حکیم قادر مهربان. خیلی راحت میتوان ثابت کرد که فقط خدا ناجی انسانهاست. زیرا اوست که قرآن و سایر کتابهای آسمانی را نازل کرد. اوست که از

احوالات همه باخبر است. اوست که سمیع الدعاست. کیست که در حین مشکلات، به داد آدمی میرسد غیر از خدا؟ چه کسی غیر از خدا همیشه ناظر و حاضر است؟ چه کسی غیر از خدا باران نازل میکند و رحمت خویش را بر مردم نازل میکند؟ چه کسی از رگ گردن به ما نزدیکتر است؟ چه کسی صدای قلبی همه انسانها و جنها (و سایر موجودات و جانوران) را بطور همزمان میشنود؟ چه کسی عزت میدهد و چه کسی ذلت میدهد؟ چه کسی می خنداند و چه کسی می گریاند؟ چه کسی می میراند و چه کسی زنده میکند؟ و ...

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾

آن کس که مرا آفریده و همو راهنماییم می کند (٧٨)

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾

و آن کس که او به من خوراك می دهد و سیرابم می گرداند (٧٩)

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾

و چون بیمار شوم او مرا درمان می بخشد (٨٠)

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾

و آن کس که مرا می میراند و سپس زنده ام می گرداند (٨١)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾

و آن کس که امید دارم روز پاداش گناهم را بر من ببخشاید (٨٢)